

## مقایسه نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی در افراد با ازدواج رسمی و افراد مجرد درگیر همباشی (ازدواج سفید)

محمد عبد فخرآباد<sup>۱</sup>، آزاده محولانی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه، برخی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین تحریفات شناختی موجب تغییر در ارزش ها و نگرش های جوانان در شرف ازدواج و ظهور بیشتر پدیده همباشی (ازدواج سفید) شده است. هدف اصلی این پژوهش، مقایسه نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی در افراد متأهل با ازدواج رسمی و افراد مجرد درگیر با همباشی (ازدواج سفید) در سال ۱۴۰۳ می باشد. روش پژوهش این تحقیق طرح علی - مقایسه ای بوده است. جامعه آماری پژوهش در این تحقیق شامل کلیه افراد ۱۸ تا ۴۵ سال به بالا که به صورت رسمی ازدواج کرده اند و زنان و مردانی که درگیر همباشی هستند، در شهرستان مشهد می باشد. روش نمونه گیری، در دسترس برای زوج هایی که به صورت رسمی ازدواج کرده بودند و هدفمند برای کسانی که درگیر ازدواج سفید بودند. نتایج نشان داد که بین متغیر های نگرش به ازدواج در افراد مجرد درگیر با همباشی و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معنی داری وجود دارد ولی در بین تحریفات شناختی در افراد مجرد درگیر با همباشی و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معنی داری وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می گردد که این یافته ها در مداخلات بالینی مرتبط به حوزه ازدواج و خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

**کلید واژه ها:** نگرش به ازدواج، تحریفات شناختی، ازدواج رسمی، همباشی (ازدواج سفید).

<sup>۱</sup> نویسنده اول: کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: دکتری مشاوره، عضو هیئت علمی گروه روانشناسی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران

## Comparison of Attitudes towards Marriage and Cognitive Distortions in Officially Married People and Single People Involved in Cohabitation (White Marriage)

Mohammad Abd Fakhrabad, Azadeh Mahvelati

### Abstract

Today, some cultural, social and economic changes as well as cognitive distortions have caused changes in the values and attitudes of young people about to get married and the greater emergence of the phenomenon of cohabitation (white marriage). The main aim of this study is to compare attitudes towards marriage and cognitive distortions in officially married people and single people involved in cohabitation (white marriage) in 1403. The research method of this study was a causal-comparative design. The statistical population of the study in this study includes all people aged 18 to 45 years and above who are officially married and women and men who are involved in cohabitation in Mashhad city. The sampling method is available for couples who were officially married and purposeful for those who were involved in white marriage. The results showed that there is a significant difference between the variables of attitude towards marriage in single people involved in cohabitation and people with formal marriage, but there is no significant difference between cognitive distortions in single people involved in cohabitation and people with formal marriage. Therefore, it is suggested that these findings be used in clinical interventions related to the field of marriage and family.

**Keywords:** attitude towards marriage, cognitive distortions, formal marriage, cohabitation (white marriage).

## بیان مسئله

ازدواج<sup>۱</sup> یکی از مهمترین اتفاقات در زندگی همه افراد، خصوصاً در دوران جوانی است (راوو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). ازدواج تسهیل گر ارضای اغلب نیازهای افراد هم در سطح فردی و هم سطح اجتماعی است. در سطح فردی، ازدواج باعث ارضای نیازهای فیزیکی، جنسی، عاطفی و اجتماعی فرد و در سطح اجتماعی، موجب ایجاد مهمترین رکن هر کشور یعنی خانواده می گردد (کاظمی پور، ۱۳۹۸). اگرچه، متداول ترین نوع ازدواج در اغلب کشورهای ایران و جهان در میان افراد با فرهنگ های مختلف و از هر دین و مذهبی، سبک ازدواج از نوع رسمی می باشد؛ اما در سال های اخیر شاهد رشد رو به بالای نوع دیگری از سبک ازدواج، به نام همباشی (ازدواج سفید) در کشورهای مختلف از جمله ایران هستیم (زولا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷؛ رسولی، ۱۴۰۰). همباشی<sup>۴</sup> (ازدواج سفید) به معنی اقدام به تشکیل زندگی توسط زن و مرد است، بدون اینکه پیوند رسمی بین آنها شکل گرفته باشد. همباشی یا دگرباشی در واقع همان ازدواج سفید می باشد که در جامعه کنونی، افراد بیشتر آن را با نام ازدواج سفید می شناسند. ازدواج سفید، نوعی ازدواج در بین پیروان مسیح است که در آن عروس لباس سفید می پوشد و زن و مرد سعی می کنند با پوشیدن این لباس و برگزاری جشن به رابطه خویش وجهه قانونی و شرعی دهند (قنبریان، ۱۳۹۶)، در حالی که در اکثر کشورها و مذاهب مختلف، این نوع ازدواج، به هیچ وجه قانونی قلمداد نمی گردد (رسولی، ۱۴۰۰). حتی، در فرهنگ لغت آکسفورد نیز، برای تعریف این سبک از زندگی مشترک بین زن و مرد، به جای به کار بردن کلمه ازدواج سفید از واژه همباشی استفاده شده است. به عبارتی، حتی در فرهنگ غرب هم این رابطه را تحت عنوان ازدواج به رسمیت نمی شناسند. همباشی (ازدواج سفید) بر خلاف سبک ازدواج رسمی، عاملی برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی است، اما در آن تعهدی نسبت به طرف مقابل وجود ندارد (قاضی، برکی تبار و جوکار، ۱۴۰۲). طبیعتاً این امر، موجب بروز مشکلات در سطح بین فردی، فردی و حتی در سطح اجتماعی می گردد، و حتی تشکیل خانواده، ایجاد عشق و صمیمیت واقعی را بین زن و مرد به تعویق می اندازد. اگرچه ازدواج یک امر خصوصی است که توسط افراد صورت می گیرد و دیگران در آن دخالتی ندارد، اما شناخت افکار و نگرش های افراد، پیرامون ازدواج و تحلیل و بررسی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است (رسولی، ۱۴۰۰). جوانانی که سن آنها قبل از ازدواج در خانواده بالا رفته است و دائماً شاهد نزاع و درگیری پدر و مادرشان با هم هستند در زندگی مشترک آینده خود بعد از ازدواج، دچار استرس و اضطراب فراوانی می شوند به طوری که اغلب آنها در ایجاد زندگی ای ایده آل برای خود و همسرش ناموفق بوده و دارای روابطی ناپایدار و تصنعی با همسرش می شود. اما والدینی که فرزندانشان را پایبند به اخلاقیات در زندگی مشترک می کنند در روابط بعد از ازدواج یاد می گیرند به همسر خود متعهد و وفادار باشند (نیل فروشان، نویدیان و عابدی، ۱۳۹۲). تحقیقات نشان داده است، برخی از والدینی که برای فرزندانشان همسری انتخاب می کنند، به این احساس رسیده اند که فرزندانشان برای راهبرد زندگی ای ایده آل از لحاظ مادی و عاطفی به بلوغ کامل رسیده است و آماده است با همسر خود زندگی ای مشترک و بدون دغدغه را شروع کنند و معمولاً فرزندان هم این نوع انتخاب والدین را تایید و

<sup>1</sup> Marriage

<sup>2</sup> Rao SL

<sup>3</sup> Zola, M. F

<sup>4</sup> Cohabitation

تحسین می کنند (رضازاده، صدری دمیچی و قمری کیوی، ۱۳۹۸). بررسی پیشینه نظری و پژوهشی نشان می دهد، مسائل شناختی از مهمترین عوامل تاثیر گذار بر انتخاب سبک ازدواج هستند. نگرش به ازدواج<sup>۱</sup> و تحريفات شناختی<sup>۲</sup> می تواند از مهمترین مسائل شناختی این حوزه باشد (کلاته ساداتی و جیریایی، ۱۴۰۰). این عوامل، نمایان گر چهارچوب های ذهنی شخص، در مورد خود و اطرافیان خویش و خصوصاً روابط عاطفی فرد هستند، و به نوعی ریشه در باورهای بنیادین افراد دارند. تحريفات شناختی می تواند نقش بسیار مهمی در شکل گیری اضطراب، افسردگی و تنش های روانی موجود در زندگی فرد را داشته باشند. آگاهی از تحريفات ها و خطاهای شناختی خود می تواند باعث داشتن مزایایی مثبت مانند، ایجاد تفکری صحیح و سازنده در خود و دیگر افراد شده، مانع تفکر ناصحیح و منفی می شود و عملکرد ذهن را بهبود می بخشد. برای درمان تحريفات شناختی، معمولاً از درمان های روانشناختی مشاوره مبتنی بر شناخت استفاده می شود که به تغییر باور ها در تفکرات خطاگرایانه فرد و اصلاح الگو های منفی فرد می پردازد (حمامسی، ۲۰۰۵). همچنین رویکرد درمانی شناختی - رفتاری یا CBT، یکی از اصلی ترین درمان ها برای تحريفات شناختی محسوب می شود که در آن به افراد آموزش داده می شود چگونه در موقعیت های مختلف بر افکار و احساسات آزار دهنده شان غلبه کرده و آن را مدیریت کنند تا بتواند رفتاری درست را در مکان و زمانی مناسب از خود نشان دهند. مهم است که همه افراد جامعه، به شناسایی و تغییر خطاهای شناختی و تله های ذهنی خود بپردازند تا از این راه بتوانند واقعیت ها را از فرضیات، تصورات و گمان ها از یکدیگر متمایز کنند. افراد باید واقعیت ها را دقیقاً همان طور که هست ببینند، نه بیشتر و نه کمتر، در نتیجه این عمل باعث می شود افراد جامعه، از سلامت روان بیشتر و دستیابی به زندگی بهتر بهره ببرند. برای عملی شدن این اتفاق مهم، افراد جامعه باید بطور فعالانه، به شناسایی خطاهای شناختی دست یابند و از آنها بپرهیزند. هنگامی که آرون بک متوجه شد از بین مراجعان، بیشتر افراد بیمار در گیر افسردگی هستند و با تحريف فرضیات خود و تفکر اشتباه شان عمل می کنند، درمان شناختی - رفتاری را ابداع کرد و فرضیه بک بر این اساس بود که تغییر نوع تفکر در کاهش علائم افسردگی نقش بسزایی دارد (حسین زاده، ۱۳۹۰).

نگرش به ازدواج، یعنی عقیده ذهنی و باور فرد نسبت به ازدواج که در مرحله اولیه زندگی شکل گرفته و سازه ای ثابت است (تورنتون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). به عبارتی دیگر نگرش به ازدواج، به معنی نظر یا دیدگاه عاطفی و عقلانی فرد، نسبت به ازدواج است. نگرش به ازدواج ممکن است به دو شکل مثبت یا منفی اتفاق بیوفتد که با توجه به اعتقادات، ارزش ها و تجربه های شخصی ما در زندگی شکل می گیرد و در نتیجه منجر به ازدواج عقلانی می شود. نتایج تحقیقات گذشته نشان می دهد که طرز تفکر و رفتار و همچنین نگرش های کلی والدین در روابط و سبک زندگی فرزندان در خانواده بر نوع نگرش به ازدواج آنها تاثیر مستقیم می گذارد. از جمله مواردی که فرزندان از والدین خود در رابطه با نوع نگرش به ازدواج یاد می گیرند، عبارتند از: فراگیری مهارت ارتباط مثبت با همسر، تلاش برای ایجاد ارتباطی پایدار بین زوجین و همچنین کنترل نوع رفتار در نزاع ها و الگو پذیری ارتباطی مثبت از والدین می باشد (رضازاده، صدری دمیچی و قمری کیوی، ۱۳۹۸). انتقال این نوع دیدگاه، به این صورت است که والدین از سبک ها و الگو های مثبت و منفی برای تعلیم و تربیت فرزندانشان

<sup>1</sup> Attitude to marriage

<sup>2</sup> Cognitive distortions

<sup>3</sup> Thornton, A

استفاده می کنند و فرزندان آنها هم از این الگوی رفتاری در زندگی زناشویی آینده خود استفاده می کنند و همین امر باعث می شود فرد از ازدواج و روابط نزدیک خانوادگی، انتظارات قابل توجهی داشته باشد. نوع دیدگاه های ارتباطی جوانان توسط رویدادها و پیامدهای اجتماعی و پاداش هایی که از مشاهده انواع روابطی که در اطرافشان اتفاق می افتد، دریافت می کنند. ارتباط روزمره پدر و مادر با فرزندان خود، اولین نوع رابطه ای است که بچه ها با آن مواجه می شوند و می تواند باعث شکل گیری نوع نگرش آنها نسبت به ازدواج شان در آینده باشند (صباغچی، عسگری ندوشن و ترابی، ۱۳۹۶). همچنین، تحریفات شناختی نوعی فرایند شناختی است که به شکل خودکار در ذهن انسان ایجاد می شود و باعث می شود واقعیت در ذهن فرد تحریف شود (الیس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). تحریفات شناختی، به عنوان باورهای اغراق آمیز و غیر منطقی تعریف شده اند (غفوریان ملازاده، ۱۳۹۳). تحریفات شناختی، یکی از مهم ترین عواملی است که بر روابط زناشویی زوجین اثری منفی میگذارد. به این صورت که زوجین از رفتار و گفتار یکدیگر برداشت و نتیجه گیری غلط می کنند و همین امر باعث می شود ناراحتی و اختلاف بین زوجین اتفاق بیافتد (حسین زاده، ۱۳۹۰).

پژوهش ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) با هدف بررسی رابطه ی مثبت میان تجربه ازدواج سفید و طلاق پس از ازدواج در میان افرادی که در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ ازدواج کرده اند، بود و به این نتیجه رسید که رابطه ی مثبت بین این متغیرها در گذر زمان از بین می رود، به طوری که رابطه معناداری بین تجربه ازدواج سفید و نرخ طلاق بین افرادی که در سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ ازدواج کرده اند، بوجود نیامده است. پژوهش کیم<sup>۳</sup> و جونگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) با هدف بررسی ارتباط بین خود تمایز یافتگی، کارکرد خانواده، رضایت از زندگی، و نگرش نسبت به ازدواج را بررسی کرده و عواملی را که سبب ایجاد این نگرش ها در دانشجویان کره جنوبی می شوند، بیابند. یافته های این پژوهش نشان داد که نگرش مثبت به ازدواج در میان دانشجویان کره جنوبی را می تواند با برنامه های آموزش در مورد ازدواج که رضایت از زندگی، خود تمایز یافتگی و کیفیت روابط خانوادگی را بهبود می دهند، تقویت کرد. رسولی (۱۴۰۰) پژوهشی با هدف بررسی نگرش جوانان درباره همبازی (ازدواج سفید) انجام داد. در پایان به این نتیجه رسیدند که براساس نظر مصاحبه شوندگان به سه تیپ از افرادی که همبازی (ازدواج سفید) کرده اند، عبارتند از: تیپ اول به دلیل شرایط اقتصادی (فقر، سرپرست خانوار بودن، حرف مردم، گرایش جنسی، نداشتن سرمایه) همبازی (ازدواج سفید) را انتخاب کرده اند، تیپ دوم به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مردم، عدم حمایت خانواده) و تیپ سوم به دلیل شرایط روانی (خیانت به یکدیگر، عدم تعهد در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی، مشکلات خانوادگی) همبازی (ازدواج سفید) را انتخاب کرده اند. پایان نامه قصر فخری (۱۳۹۶) با هدف مقایسه تحریفات شناختی، حل مساله و خودابرازی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی بود. این پژوهش کاربردی و برای اجرای آن از روش علی-مقایسه ای استفاده شد. جامعه آماری ۴۰ زوج متقاضی طلاق و ۴۰ زوج عادی بودند. همسازی این پژوهش از طریق متغیرهای سن، شغل، سطح تحصیلات انجام شد. یافته های پژوهش نشان داد، بین تحریفات شناختی در زوجین متقاضی طلاق بیشتر از زوجین

<sup>1</sup> Ellis, A<sup>2</sup> Zhang<sup>3</sup> Kim<sup>4</sup> Jung

عادی می باشد. بین مهارت های حل مساله و مولفه اعتماد به نفس در زوجین متقاضی طلاق تفاوت معناداری وجود دارد و مهارت حل مساله در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق می باشد.

با توجه به آنچه که گفته شد، از طرفی تغییر در سبک انتخاب همسر و زندگی مشترک و افزایش یک پدیده اجتماعی تحت عنوان همباشی (ازدواج سفید) در ایران و از دیگر سو، در نظر گرفتن این که نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی از عوامل مهمی هستند که از کودکی در افراد شکل می گیرد و در ادامه زندگی در بر دیدگاه افراد نسبت به خود، جهان اطراف و دیگران اثر میگذارند، در نتیجه می توانند در انتخاب سبک ازدواج و روابط عاطفی مهم باشند و همچنین، کمبود پژوهش ها در این زمینه، باعث شد هدف از مطالعه حاضر، مقایسه نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی در بین افراد متاهل با ازدواج رسمی و افراد مجرد در گیر با همباشی (ازدواج سفید) باشد.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و استنباطی و از نوع علی - مقایسه ای<sup>۱</sup> می باشد که به مقایسه نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی در افراد مجرد در گیر با همباشی (ازدواج سفید) و افراد متاهل با ازدواج رسمی در شهرستان مشهد پرداخته شده است. برای تعیین حجم نمونه، با در نظر گرفتن مطالعات پیشین و استفاده از نرم افزار جی پاور<sup>۲</sup> و در نظر گرفتن خطا نوع اول یا سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری ۰/۸ و اندازه اثر (متوسط) یعنی ۰/۵ برابر ۱۲۸ یعنی (۶۴ نفر در هر گروه افراد با ازدواج رسمی و ۶۴ نفر از افراد مجرد در گیر همباشی) تعیین گردید. روش نمونه گیری، در دسترس برای زوج های با ازدواج رسمی و هدفمند برای افراد مجرد در گیر همباشی (ازدواج سفید) تعیین گردید. افرادی که سابقه ی رابطه در قالب همباشی (ازدواج سفید) داشتند را از طریق شبکه های مجازی (داخلی و خارجی) و از طریق پرس و جو از موسسات مختلف شناسایی شدند و از طریق مصاحبه و توضیح اهمیت این پژوهش برای آنان جهت شرکت در این پژوهش ترغیب گردیدند. قابل ذکر است که به جهت همتاسازی محدوده سنی زنان و مردان شرکت کننده از ۱۸ تا ۴۵ سال در نظر گرفته شد. از لحاظ اخلاقی به آزمودنی ها توضیح داده شد که نیازی به وارد کردن اطلاعات شخصی مانند ذکر نام و نام خانوادگی، شهر محل سکونت و ... نیست و تنها سن، میزان تحصیلات از شرکت کنندگان خواسته شد و در پایان نتیجه به صورت کلی در پژوهش مورد استفاده قرار می گیرد. اهداف تحقیق و مزایای اجرای آن برای افراد توضیح داده شد. حق آزادی ورود و خروج به مشارکت کنندگان در پژوهش داده شد. پیش از انجام پژوهش، به جهت کار با شرکت کنندگان انسانی، جهت انجام آن کد اخلاق اخذ گردید. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها، از دو پرسشنامه "نگرش به ازدواج بارتین"<sup>۳</sup> و روزن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸ و پرسشنامه "استاندارد تحریفات شناختی عبدالله زاده و سالار، ۱۳۸۹" استفاده گردید.

<sup>1</sup> comparative

<sup>2</sup> G\*Power

<sup>3</sup> Bartin

<sup>4</sup> Rozen

پرسشنامه نگرش به ازدواج بارتین و روزن (۱۹۹۸)، دارای ۲۳ سوال بوده و هدف آن ارزیابی نگرش افراد به ازدواج از ابعاد مختلف (نگرش بدبینانه به ازدواج، نگرش خوش بینانه به ازدواج، نگرش واقع گرایانه به ازدواج، نگرش ایده آل گرایانه به ازدواج) می باشد. طیف پاسخ دهی آن از نوع لیکرت پنج گزینه ای از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم می باشد. روایی و پایایی در پژوهش نیل فروشان، نویدیان و عابدی (۱۳۹۲) روایی محتوایی و همگرایی این مقیاس تایید شد و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بدست آمد که حاکی از مطلوب بودن پایایی این پرسشنامه است. همچنین، آلفای کرونباخ پرسشنامه فوق، در این پژوهش ۷۳ درصد بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسشنامه می باشد.

پرسشنامه استاندارد تحریفات شناختی (۱۳۸۹)، یک ابزار محقق ساخته با هدف دست یابی به ابزاری آسان برای آگاهی از تحریفات شناختی است، که توسط عبدالله زاده و سالار در سال ۱۳۸۹ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۲۰ عبارت است که هر کدام در یک مقیاس ۵\_۱ درجه ای (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) درجه بندی شده است. در مطالعه فرمانی (۱۳۹۳) برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است و از آنها در مورد مربوط بودن سؤالات، واضح بودن و قابل فهم بودن سؤالات و اینکه آیا این سؤالات برای پرسش های تحقیقاتی مناسب است و آنها را مورد سنجش قرار می دهد، نظر خواهی شد و اصطلاحات مورد نظر در پرسشنامه اعمال گردید. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده به صورت استاندارد در پژوهش عبدالله زاده و سالار برابر ۰/۸۰ است و در پژوهش فرمانی (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه شده است. همچنین، آلفای کرونباخ این پرسشنامه در این پژوهش ۷۶ درصد بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسشنامه می باشد.

## یافته ها

تجزیه و تحلیل داده ها در سطح توصیفی نشان داد که دامنه سنی افراد از ۱۸ تا ۴۲ سال به بالا بودند. تحصیلات آنها از زیر دیپلم تا دکتری متغیر بوده است. ۶۵.۶ درصد از افراد شرکت کننده ازدواج رسمی و ۳۴.۴ درصد از افراد همبازی (ازدواج سفید) داشتند. همچنین ۸۲.۸ درصد افراد زن و ۱۷.۲ درصد از افراد شرکت کننده در پژوهش مرد بودند. جهت شروع تجزیه و تحلیل استنباطی به منظور بررسی نرمال بودن متغیر ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد.

جدول ۱: آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیر	آماره	P مقدار
۱ تحریفات شناختی در ازدواج رسمی	۰.۲۰۳	<۰.۰۰۱
۲ تحریفات شناختی در ازدواج سفید	۰.۱۹۶	<۰.۰۰۱
۳ نگرش به ازدواج در ازدواج رسمی	۰.۱۵۳	<۰.۰۰۱

بر اساس جدول ۱ نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان می دهد که متغیرها از توزیع نرمال تبعیت نمی کنند، بنابراین برای مقایسه دو نمونه مستقل باید از آزمون های ناپارامتری من ویتنی برای مقایسه استفاده نمودیم.

#### جدول ۲: آزمون من ویتنی برای مقایسه متغیرها در دو گروه

متغیر	P مقدار
۱ تحریفات شناختی	0.208
۲ نگرش به ازدواج	<0.001

طبق جدول ۲، پس از مقایسه متغیرها در دو گروه با آزمون من ویتنی، آماره متغیر نگرش به ازدواج  $P > 0.001$  به دست آمد که نشان دهنده این است که بین متغیر نگرش به ازدواج در افراد مجرد در گیر با همباشی (ازدواج سفید) و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین، طبق جدول ۲، پس از مقایسه متغیرها در دو گروه با آزمون من ویتنی، آماره متغیر تحریفات شناختی  $P = 0.208$  به دست آمد که نشان دهنده این است که بین متغیر تحریفات شناختی در افراد مجرد در گیر با همباشی (ازدواج سفید) و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معنی داری وجود دارد.

### بحث

همان طور که گفته شد، ازدواج از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است ولی در سال های گذشته، یکی از بزرگ ترین معضلات مطرح شده در جامعه کنونی، تمایل نداشتن به ازدواج و تاخیر در ازدواج جوانان می باشد و به دلیل برخی نیازهای جنسی و عاطفی، افراد مجرد گرایش پیدا می کنند با جنس مخالف در قالب ازدواج های نامتعارف مانند همباشی (ازدواج سفید)، ارتباط پیدا می کنند که به نوبه خود خطرات بسیاری را به همراه دارد. بنابراین، هدف این پژوهش مقایسه نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی در افراد با ازدواج رسمی و افراد در گیر در همباشی (ازدواج سفید) بوده است.

با توجه به تفسیر نتایج از آزمون من ویتنی برای مقایسه متغیرها در دو گروه مشخص شد طبق داده های جدول ۱، آماره متغیر نگرش به ازدواج  $P < 0.001$  می باشد (سطح معناداری 0/05). بنابراین بین نگرش به ازدواج در افراد مجرد در گیر با همباشی (ازدواج سفید) و



افراد با ازدواج رسمی تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با پژوهش های قاضی، برکی تبار و جوکار (۱۴۰۲)، رسولی (۱۴۰۰)، ژانگ (۲۰۱۷)، کیم و جونگ (۲۰۱۵)، ریا و ایزا (۲۰۰۵)، نیکخواه، فانی و اصغرپور (۱۳۹۶) و طیبی نیا (۱۳۹۳) همسو و هم جهت می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت، در نگرش به ازدواج ملاک هایی مانند در نظر گرفتن رشد تاثیرات بالقوه بین زوجین، حفظ باورها و ارزش های دینی و مذهبی آنها در ایجاد دیدگاه های رابطه ای مثبت در نگرش به ازدواج، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (رازقی، عزیزاده، محمدی و سنگ چشمه، ۱۳۹۷). تحقیقات انجام شده نشان می دهد که جامعه انتظاراتی متفاوت از زمان احساس آمادگی مردان و زنان برای ازدواج و شروع زندگی مشترک دارد. برای مثال، از مردان انتظار می رود که در زمان ازدواج به رشد مالی، کاری و... بالایی دست یافته باشند؛ به همین دلیل اغلب مردان جوان در مقایسه با زنان جوان کمتر به ازدواج فکر می کنند (احمدی، براری و سیداسماعیلی، ۱۳۹۰). به عبارتی، امروزه نوع نگرش مردان به ازدواج به گونه ای تغییر یافته است که از موفقیت در تحصیل و کار نسبت به ازدواج بیشتر احساس لذت و رضایت می کنند، زیرا ازدواج زودهنگام می تواند آموزش های مهم شغلی را به خطر انداخته و مانع از کسب تجارب ضروری در شغل مورد نظر فرد شود. در مقابل، دستیابی به موفقیت شغلی یا تحصیلی، اقتصادی بالاتر می تواند ازدواج را برای آنان تسریع کند. اما این امر مستلزم صرف زمان و تلاش زیادی از زمان بلوغ و ایجاد نیازهای جنسی، عاطفی و... در فرد می باشد، بنابراین، فرد را به سمت همباشی (ازدواج سفید) به جای ازدواج رسمی با تعهدات مالی و اخلاقی (به دلیل برآوردن سریع نیازها همراه با امکان فرد دیگری در آینده) سوق می دهد. همچنین ازدواج سفید در انتخاب زنان نوعی واسطه برای فرار از کنترل های والدین و دسترسی بیشتر به استقلال را برای آنها فراهم می کند. اگرچه، نگرش افراد نسبت به زندگی ثبات و دوام بسیار زیادی دارد؛ اما نگرش های افراد نسبت به ازدواج یا تجربه های شخصی آنها در طول زندگی و در موقعیت های مختلف پدید می آید که دیدگاه فرد به جهان هستی را نشان می دهد و تعیین کننده نوع رفتار آنها در شرایط متفاوت می باشد که با الگوگیری از افراد مهم زندگی همچون والدین و همسالان، مطالعه، کسب آگاهی و تمرین، می توان تغییر نماید. یکی از مهمترین این عوامل تاثیر والدین می باشد. نتایج تحقیقات گذشته نشان می دهد که طرز تفکر و رفتار و همچنین نگرش های کلی والدین در روابط و سبک زندگی فرزندان در خانواده بر نوع نگرش به ازدواج آنها تاثیر مستقیم می گذارد. خانواده در کنار نهاد هایی مانند دین، اقتصاد، سیاست و آموزش و پرورش، از بنیادی ترین مراجع اجتماعی محسوب می شود که نیاز های جسمی، روانی، جنسی و اجتماعی افراد را در چارچوبی مشخص برآورده می کند. از جمله مواردی که فرزندان از والدین خود در رابطه با نوع نگرش به ازدواج یاد می گیرند، عبارتند از: فراگیری مهارت ارتباط مثبت با همسر، تلاش برای ایجاد ارتباطی پایدار بین زوجین و همچنین کنترل نوع رفتار در نزاع ها و الگو پذیری ارتباطی مثبت از والدین، طرز نگاه نسبت به ازدواج و... می باشد. انتقال این نوع دیدگاه، به این صورت است که والدین از سبک ها و الگو های مثبت و منفی برای تعلیم و تربیت فرزندان استفاده می کنند و فرزندان آنها هم از این الگوی رفتاری در زندگی زناشویی آینده خود استفاده می کنند و همین امر باعث می شود فرد از ازدواج و روابط نزدیک خانوادگی، انتظارات قابل توجهی داشته باشد. نوع دیدگاه های ارتباطی جوانان توسط رویدادها و پیامدهای اجتماعی و پاداش هایی که از مشاهده انواع روابطی که در اطرافشان اتفاق می افتد، دریافت می کنند. برای مثال، ارتباط روزمره پدر و مادر با فرزندان خود،

اولین نوع رابطه ای است که فرزندان با آن مواجه می شوند و می تواند باعث شکل گیری نوع نگرش آنها نسبت به ازدواج شان در آینده می گردد.

همچنین، ایجاد این باور در فرزندان که حفظ و تداوم خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در خانواده ای که ازدواجی سالم و شرعی بین زوج صورت گرفته باشد، اصول خانوادگی و روابط زناشویی برقرار باشد و از احساسات زودگذر در روابط شان خبری نباشد؛ زوج از ازدواج خویش هم مانند ارزش ها و عقاید شان پاسداری کنند و نسبت به آن تعهد داشته باشند. مهارت های صحیح حل تعارض را آموخته باشند و برای ارتقای آنها تلاش کنند، در مقابل والدینی که دائما درگیر نزاع و درگیری بدون استفاده از مهارت های حل تعارض هستند، و فرزندان در این خانواده، اغلب دچار استرس و اضطراب فراوان هستند، نگرش متفاوتی به انتخاب سبک ازدواج دارند. همچنین، والدین و فرهنگی که این بارو را القا می نماید کنند که برای شروع زندگی مشترک به امکانات مالی، رفاهی و... بالایی نیاز هست و یا اینکه دختران تا زمان ازدواج امکان حضور در فعالیت های اجتماعی را ندارند، می توانند نقش مهمی در شکل گیری این سبک انتخاب در ازدواج داشته باشند. فرهنگ و رسانه های غربی می تواند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم بر نگرش جوانان به ازدواج تاثیر بگذارد. به عنوان مثال در افکار بسیاری از جوانان این نوع نگرش شکل گرفته است که هر چه از گذشته باقی مانده، نامطلوب و شایسته دفع و طرد است، ریشه ی این باور را باید در فرایند فرهنگ پذیری فرد و اثر پذیری از فرهنگ بیگانه و فرهنگ سازی رسانه های گروهی در عصر پست مدرنیسم جستجو کرد. زندگی در عصر پست مدرنیسم ویژگی ها و شیوه های مخصوص به خود دارد. از جمله: شورش و عصیان بر ضد هر چیزی که از نظر جوانان سنت تلقی می شود؛ عدم پابندی به هنجارها و ارزش های روابط جنسی؛ غرق شدن در سرافرازی های لحظه ای و لذت جنسی آنی و؛ عصیان نسل جوان نسبت به هنجارهای اخلاقی جامعه؛ معنا جویی نسل جوان و ظهور آن در شیوه های جدید زندگی؛ سلطه ی رسانه های گروهی و نفوذ بنیاد کن آنها در همه ی ابعاد و زوایای زندگی از جمله مواردی است که رسانه های غربی می تواند بر نگرش جوانان تغییر ایجاد کند (فحتی و ثابتی، ۱۳۹۰).

همچنین، با توجه به تفسیر نتایج از آزمون من ویتنی برای مقایسه متغیر ها در دو گروه مشخص شد طبق داده های جدول ۱، در متغیر تحریفات شناختی  $P > 0.208$  می باشد (سطح معناداری ۰/۰۵). بنابراین بین تحریفات شناختی در افراد مجرد درگیر با همباشی (ازدواج سفید) و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتیجه با پژوهش های مقدسی (۱۴۰۱)، مسلمان، حسینی وصادق پور (۱۳۹۷)، قصر فخری (۱۳۹۶)، فلک بلند (۱۳۹۶)، مشمول حاجی آقا و ابوالقاسمی (۱۳۹۵) و حسین زاده (۱۳۹۰)، شرف الدین و عراقی (۱۳۹۷)، سهراب زاده، نوروزی و عسگری کویری (۱۳۹۶)، قنبریان (۱۳۹۶) همسو و با پژوهش های حقیقت (۱۳۹۲)، اسماعیل پور، بخشی پور و محمدزادگان (۱۳۹۳)، خدادادی و بدره (۱۳۹۹)، تاجیک (۱۳۹۶)، احمدی (۱۳۹۷)، ابوالفضلی (۱۳۹۷) ناهمسو است.

در تبیین این همسویی می توان گفت، به طور کلی تحریفات شناختی به این معنا است که فرد به شیوه ای نامتعادل در مورد خود، دیگران و جهان هستی فکر می کند و نظرات منفی ای را در ذهن خود پرورش می دهد. ابزار های شناسایی و اصلاح نوع الگوهای تفکر معیوب، از جمله ویژگی های اصلی تمایز بخشی بین کسانی است که گاهی دچار تحریف شناختی می شوند و به شکل طولانی مدت با تحریف

شناختی روبه رو هستند، می باشد (قصر فخری، ۱۳۹۶). به عبارتی، تحریف های شناختی بخشی از فرآیندهای شناختی هستند که به شکل خودکار در ذهن انسان رخ می دهند و باعث می شوند، واقعیت ها در ذهن افراد تغییر و یا تفسیری نادرست کنند. می توان از فراموشی یا بی توجهی به اطلاعات مهم، افزایش و یا کاهش اهمیت یک خبر، تعمیم دادن و یا محدود کردن یک موضوع خاص، به عنوان مهم ترین تحریف های شناختی افراد نام برد. آموس تورسکی<sup>۱</sup> و دانیل کانمن<sup>۲</sup> از جمله روانشناسانی هستند که در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار اصطلاح تحریفات شناختی را بکار بردند. فرضیه آنها بر این استوار است که معتقدند، افرادی که مجبور به قضاوت و یا تصمیم گیری درباره چیزی هستند، برای توصیف الگوهای ناقص فکری از این نوع تحریفات شناختی استفاده می کنند. آنها در پژوهشی که انجام دادند، به این موضوع پرداختند که مردم برای تصمیم گیری با وجود منابع محدود، به چه صورتی این کار را انجام می دهند. درواقع آنها به این نتیجه رسیدند، با توجه به این که مردم برای تصمیم گیری های کلان شان منابع کم و محدودی را در اختیار دارند، پس آنها نیاز به میانبرهای ذهنی دارند تا بتوانند در مواقع ضروری، راحت تر و در عین حال سریع تر تصمیم درستی را بگیرد. تورسکی و کانمن این میانبرهای ذهنی را، تحریفات شناختی نام گذاری کردند (مسلمان، حسینی و صادق پور، ۱۳۹۷). به عبارتی، خطاهای شناختی به معنا و مفهوم الگوهای ذهنی است که شیوه تصمیم گیری را به عهده خود فرد می گذارد. وجود این اطلاعات باعث می شود تحریفات شناختی فرد را به سمت و سویی مشخص هدایت کند. به عنوان مثال، فرد تمایل پیدا می کند به باور آنچه که قبلا به آن فکر کرده بود. بنابراین تحریفات شناختی بر روی فراهم کردن اطلاعات و شیوه تاثیرگذاری تفسیر آن تمرکز می کند، ولی خطاهای شناختی بر روی انتخاب ها و تصمیم گیری هایی که فرد انجام می دهد، تاثیر گذار است، یکی از انتخابات، سبک ازدواج است.

ناهمسویی نتیجه این پژوهش، با برخی از پژوهش های دیگر ممکن است به دلیل تفاوت در حجم نمونه گیری، نوع نمونه گیری، وجود آزمودنی های انسانی، تفاوت در فرهنگ، متفاوت بودن جامعه در شهر، سن، تحصیلات، جنسیت شرکت کنندگان و... باشد. همچنین، شاید نمره کلی تحریفات شناختی در دو گروه تفاوتی با یکدیگر نداشته است، اما شاید اگر خرده مقیاس های تحریفات شناختی جداگانه مورد بررسی قرار می گرفت، به تفاوت هایی دست پیدا می کردیم. ضمن اینکه ممکن است شرکت کنندگان به دلیل ماهیت پژوهش و بررسی همبشی (ازدواج سفید) علی رغم تلاش پژوهشگران در جهت جذب حداکثر صداقت آنان، سوگیرانه پاسخ داده باشند. مهم ترین ویژگی تحریفات شناختی این است که در نحوه تفسیر، توجیه و درک اطلاعات اساسی تاثیر گذار است. بر اساس رویکرد شناختی - رفتاری، افکاری که به عنوان تحریفات شناختی معرفی می شوند می توانند به دلیل ایجاد باورها، استدلال ها و قضاوت های نادرست، از عوامل اصلی انتخاب سبک ازدواج باشند. تحریفات شناختی به باور های نادرست دامن می زند و باعث گسترش روی آوردن جوانان به روابط نامتعارف مانند ازدواج سفید که تعهدات مالی و احساسی کمتری به طرف مقابل شان دارند، می گردند. متخصصین حوزه رویکرد شناختی - رفتاری معتقدند، هسته اصلی همه تلاش های افراد، تحریفات شناختی است، زیرا برای تغییر و دگرگونی به افراد کمک می کند تا جهات مختلف را یاد بگیرند، طرز درست فکر کردن شان را بشناسند و در مواقع ضروری به آن پاسخ دهند یا آن را رد کنند. اگر

<sup>1</sup> Amos Tursky

<sup>2</sup> Daniel Kahneman



تفکر منفی را رد کنند به مرور زمان و از روی عادت و غیر ارادی، طرز فکر بهتر و منطقی تری را جایگزین تفکر معیوب خود می کنند. بنابراین با شناختن طرز فکر درست خود باعث می شود زوایای مثبت و پنهان زندگی شان نمایان شود و از یافتن حقیقت زندگی لذت ببرند. استفاده از توانمندی های نادرست و غلط، ممکن است انسان را به گناه و لغزش بکشاند که همین امر موجب سازگاری یا ناسازگاری در افراد جامعه تاثیر گذار خواهد بود. بنابراین می توان گفت افراد با همباشی (ازدواج سفید) و افراد با ازدواج رسمی دچار تحریفات شناختی نمی شوند ولی بهتر است برای پیشگیری های بیشتر تحریفات و خطا های شناختی را برای زوجین قبل از ازدواج آموزش داد، زیرا با آموزش تحریفات شناختی موجب کمتر شدن میزان این تحریف ها می شود.

## نتیجه گیری

یکی از مهم ترین تصمیماتی که افراد در شرایط زندگی می تواند بگیرد، تصمیم گیری برای ازدواج است. شناسایی موانع و پرداختن به دلایل تاخیر در ازدواج جوانان می تواند افراد را در ازدواجی مناسب و پایدار سوق دهد. ازدواج به عنوان تشکیل دهنده خانواده مستقل و گذر افراد از جوانی به میانسالی و بزرگسالی که مهم ترین اتفاق مهم در زندگی فرد است، همواره مورد توجه متخصصین در تحقیقات علمی و دانشگاهی می باشد. قطعاً جوانان یکی از مهم ترین تصمیماتی که در شرایط زندگی می تواند بگیرد، تصمیم گیری برای ازدواج است. این تصمیم مستلزم در نظر گرفتن جوانب مختلف مانند سازگاری فرد با شخص جدید، مستقل شدن فرد از خانواده از لحاظ عاطفی و روانی و بر عهده گرفتن مسئولیت های مهم زندگی و ... می باشد. در پایان می توان نتیجه گرفت که عواملی که در نگرش افراد به ازدواج سالم و رسمی نقش دارند، سلامت خانواده، سازگاری برخی از ذهنیت های طر حواره ای موجود در فرد، تمایل و تمایز یافتگی خود فرد به ازدواج آگاهانه و شناخت کافی و کامل نسبت به افرادی که فرد را به ازدواجی سالم و به موقع سوق می دهند، می باشد. بنابراین بررسی عوامل نگرش به همباشی (ازدواج سفید) در افراد مجرد و متأهل با نقش محوری تحریفات شناختی یکی از کارهای مهم است که دولت و مردم باید برای حفظ سلامت و پویایی جامعه تلاش کرد. نگرش به ازدواج و تحریفات شناختی از متغیر های اصلی در انتخاب سبک ازدواج است و می تواند با انتخاب همباشی (ازدواج سفید) از سوی جوانان ارتباط داشته باشد. در دنیای امروزی در تمامی جوامع از دگرگونی هایی در روابط اجتماعی و تغییر نگرش در مورد ازدواج و روابط جنسی با فردی به غیر از همسر شرعی و قانونی و با داشتن ارتباطی مخفی و فراتر از دوستی عادی بین پسر و دختر در قالب ازدواج سفید، موجب رشد بیشتر مسائل و روابط فرازناشویی می شود و اثرات مخرب و جبران ناپذیری را بر خانواده و فرزندان آنها بر جای می گذارد. بنابراین شناخت و بررسی بیشتر ریشه های مشکلات و عدم تمایل جوانان به ازدواج برای پیشگیری از ورود این افراد به انواع ازدواج های غیر رسمی از جمله ازدواج های سفید ضروری به نظر می رسد و فرهنگ سازی مناسب در این باره، می تواند به حفظ تعادل و نظم در سطح سلامت جامعه شود. پژوهش ها نشان می دهد که تمایل جوانان به ازدواج رسمی بسیار کم شده است و تاخیر در ازدواج و یا پیش رفتن به سمت همباشی (ازدواج سفید)

را یک امتیازی مثبت در بین دوستان و در اجتماع می دانند و این نوع رابطه را به عنوان سبکی از زندگی خود قلمداد می کنند. بهترین گزینه برای درمان موثر تحریفات شناختی، مراجعه به روانشناس متخصص و یا استفاده از روان درمانگر است. روانشناس می تواند ریشه مشکل و علت شکل گیری خطاهای شناختی را بررسی کند و برای درمان آن اقدام کند. با انجام راهکارهای درمانی، می توان در جهت مقابله با خطاهای شناختی و درمان آن، گامی مثبت برداشت. راهکارهایی که می تواند در درمان و مقابله با خطاهای شناختی، موثر باشند (اسمیت<sup>۱</sup>، فولیک<sup>۲</sup>، آهرن<sup>۳</sup> و آدامز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). رویکرد شناختی- رفتاری CBT<sup>۵</sup>، درمانی مبتنی بر اصول رفتاری است و با توجه به تحریف های شناختی افراد، رفتارهای اشتباه و نامناسب را شناسایی کرده و در صدد درمان یا تغییر آنها در می آید. درمان تحریف شناختی با استفاده از رویکرد شناختی \_ رفتاری، بستگی به میزان مشکلات مراجع دارد تا تعداد جلسات و این که چه مدت طول می کشد را متخصص تعیین می کند. درمان رویکرد شناختی \_ رفتاری، با روش های آموزشی مانند مدل سازی رفتاری، تغییر در رفتار و ارائه اطلاعات در مورد تحریف های شناختی، افراد را به موضوعات مشکل ساز عادت می دهد (حسین زاده، ۱۳۹۰). یکی از خصوصی ترین و صمیمی ترین نوع ارتباط زوجین و مهم ترین نیاز فطری بشر، ارتباطات زناشویی است. همان طور که داشتن رابطه با همسر می تواند سرچشمه آرامش و حمایتی دو طرفه باشد، می تواند هم منشا نارضایتی و اضطراب بین زوجین باشد. تحریفات شناختی، یکی از مهم ترین عواملی است که بر روابط زناشویی زوجین اثری منفی میگذارد. به این صورت که زوجین از رفتار و گفتار یکدیگر برداشت و نتیجه گیری غلط می کنند و همین امر باعث می شود ناراحتی و اختلاف بین زوجین اتفاق بیافتد (حسین زاده، ۱۳۹۰). خطاهای شناختی رایجی که ممکن است در ازدواج زوجین اتفاق بیوفتد، عبارتند از: خطای تفکر همه یا هیچ، خطای تعمیم افراطی، خطای استنباط دل بخواهی، خطای باید ها، خطای نتیجه گیری شتاب زده، خطای بزرگ نمایی و کوچک نمایی و خطای مقایسه ناعادلانه می توان نام برد (سیارده<sup>۶</sup> و وارد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹).

در این پژوهش با محدودیت هایی همچون در نظر گرفتن نمونه در حداقلی ترین حالت ممکن و نمونه گیری هدفمند برای افراد مجرد درگیر با همبازی (ازدواج سفید) و برگزاری مصاحبه های بسیار با تک تک شرکت کنندگان جهت ترغیب آنها به پر کردن پرسشنامه ها رو به رو بودیم. بنابراین، پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده از تعداد نمونه بیشتر استفاده شود، و تفاوت عوامل اثرگذار دیگر همچون سن، جنسیت، طبقه اجتماعی اقتصادی و غیره بین دو گروه نیز سنجیده شود. همچنین، با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می گردد که متخصصین این حوزه علل و ابعاد وجودی و روند افزایشی همبازی (ازدواج سفید) را شناسایی کنند و در جهت جلوگیری از آسیب های فردی و اجتماعی، برای جوانان با برگزاری کارگاه های آموزشی عوامل شناختی نادرست در این حوزه را شناسایی و اصلاح کنند.

<sup>1</sup> Smith, T.W.s

<sup>2</sup> Follick, M.J

<sup>3</sup> Ahern, D.K

<sup>4</sup> Adams, A

<sup>5</sup> Cognitive behavioural therapy

<sup>6</sup> Ciardha, C

<sup>7</sup> Ward, T

## منابع

- احمدی، کامیل (۱۳۹۷). اتاقي با در باز: پژوهشی جامع در باب همباشی (ازدواج سفید) در ایران. فصل نامه مطالعات حقوق. سال هفتم، شماره بیست و یکم.
- اسماعیل پور، خلیل؛ بخشی پور رودسری، عباس و محمدزادگان، رضا (۱۳۹۳). تعیین ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس تحریف شناختی بین فردی در دانشجویان دانشگاه تبریز. دو فصل نامه راهبرد های شناختی در یادگیری، دوره دوم، شماره سوم.
- امیریان زاده، منصوره، و امیریان زاده، مژگان (۱۳۸۴). ازدواج از دیدگاه اسلام. همایش ضرورت گسترش مفاهیم قرآن کریم.
- حسین زاده، علی (۱۳۹۰). خطاهای شناختی و نقش آن در نارضایتی از زندگی. روانشناسی دین، سال چهارم، شماره سوم.
- رسولی، الهام (۱۴۰۰). نگرش جوانان درباره همباشی (ازدواج سفید). ماه نامه آفاق علوم انسانی، سال پنجم، شماره پنجاهم.
- رضازاده، مسعود؛ صدوری دمیرچی، اسماعیل و قمری کیوی، حسین (۱۳۹۸). اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش درباره ازدواج، تاب آوری و انتظار از ازدواج. مشاوره و روان درمانی خانواده، سال نهم، شماره بیست و هفتم.
- شعاع کاظمی، مهر انگیز و جعفری هرنندی، مرضیه (۱۳۸۸). بررسی مقایسه ای نگرش دانشجویان مجرد و متأهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت درمانی گلاس. فصل نامه پژوهش اجتماعی سال دوم شماره چهارم.
- صباغچی، مرجان؛ عسگری ندوشن، عباس و ترابی، فاطمه (۱۳۹۶). عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد. دو فصل نامه مطالعات جمعیتی سال سوم، شماره اول.
- غفوریان ملازاده، علی (۱۴۰۰). فرهنگ ازدواج. نشر پیام طوبی.
- فتحی، سروش؛ ثابتی، مریم (۱۳۹۰). نگرش به فرهنگ غربی در بین جوانان و عوامل موثر بر آن. مجله مدیریت فرهنگی. سال پنجم، شماره دوازدهم.
- قاسمی، امیر (۱۴۰۱). مقایسه توانایی های شناختی، منبع کنترل و تحریف های شناختی در زوج های مطلقه و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی.
- قاضی، عبدالنظام؛ برکی تبار، معصومه و جوکار، سمیه (۱۴۰۲). آسیب های اجتماعی و ابعاد حقوقی همباشی (ازدواج سفید). هشتمین کنفرانس بین المللی و مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق.
- قصر فخری، مژگان (۱۳۹۶). مقایسه تحریفات شناختی، حل مسئله و خود ابرازی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

قنبریان، مهدی (۱۳۹۶). بررسی همبستگی (ازدواج سفید) در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته). همایش بین المللی دانشگاه شیراز. سال سوم، شماره دهم.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تاکید بر ازدواج های دانشجویی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال سیزدهم، شماره دوم.

کرمی، اعظم (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل نگرش جوانان به ازدواج و فرزندآوری. فصل نامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. سال هفتم، شماره پنجاه و دوم.

کلاته ساداتی، احمد و جیریایی، راضیه (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر نگرش به ازدواج: مطالعه دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه یزد. فصل نامه مددکاری اجتماعی، دوره دهم، شماره چهارم.

نیکخواه، هدایت الله؛ فانی، مریم و اصغریور ماسوله، احمد رضا (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل موثر در آن. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم، شماره سوم.

نیکویی، فاطمه (۱۴۰۰). تبیین مدل روابط ساختاری گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس ذهنیت طرحواره ای، نقش واسطه ای سبک دلبستگی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی.

نیل فروشان، پریسا؛ نویدیان، علی و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. روان پرستاری.

نیل فروشان، پریسا؛ نویدیان، علی و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. روان پرستاری.

هنرور، حسین و محمد پور، ابراهیم (۱۳۹۹). مطالعه نگرش جوانان به ازدواج و ارتباط آن با ترجیحات ارزشی، دینداری و شیوه های فرزندپروری مورد مطالعه: جوانان استان آذربایجان غربی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

Ciardha, C. & Ward, T. (2009). Theories of Cognitive Distortions in Sexual Offending What the Current Research Tells Us. Trauma Violence Abuse, 06(0), 3-90.

De Vos, M. E., Bernstein, D. P., Vanstipelen, S., Vogel, V., Lucker, T. P. C., Slaats, M., Hartkoorn, M. & Arntz, A. (2014). Schema modes in criminal and violent behaviour of forensic cluster BPD patients: A retrospective and prospective study. The British Psychological Society, Legal and Criminological Psychology, 10, 1-21.

Ellis, A. (2005). Rational emotive behavior therapy: a therapist's guide (2nd Edition), With Catharine Maclaren. Impact Publishers.

Hamamci, Z. (2005). Relationship Beliefs in Marital Conflict. Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy; 23(3): 431-8.

Kim, H. S., & Jung, Y. M. (2015). Self-Differentiation, Family Functioning, Life Satisfaction and Attitudes towards Marriage among South Korean University Students. Indian Journal of Science and Technology, 8(19), 1-9

Rao SL (2017). Marital adjustment and depression among couples. IJIP 4(2):34-42.





Smith, T.W., Follick, M.J., Ahern, D.K., Adams, A. (2009). Cognitive Distortion and Disability in Chronic Low Vack Pain, Cognitive Therapy and Research, 2009, 900-908.

Thornton, A (1991). Influence of the marital history of parents on the marital and cohabitational experiences of children. American Journal of Sociology, 96 (4): p. 868-894.

Zhang, Y (2017). Premarital cohabitation and marital dissolution in postreform China. Journal of Marriage and Family, 79(5), 35-1449.

Zola, M. F. (2007). Beyond infidelity-related impasse: An integrated, systemic approach to couple's therapy. Journal of systemic therapies, 26(2), 25- 41.